

گزارش «فرهیختگان» از یک اتفاق ویژه؛ ۵۵ فیلم اولی به جشنوارهٔ چهل وچهارم، فیلم داده‌اند

نسل نویسنما جدی‌تر از همیشه



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

آمار آثار متقاضی شرکت در چهل وچهارمین جشنواره فیلم فجر اعلام شد. اتفاق مهم و روشن در این خصوص نه حضور کارگردانان شناخته‌شده است و نه ظهور و بروز هوش مصنوعی در میان آثار متقاضی. چیزی که در این

میان اهمیت زیاد و غیرقابل کتمان‌ی دارد، درخواست ۵۵ کارگردان موسوم به «فیلم‌اولی» برای شرکت در جشنواره فیلم فجر است. سینیمای ایران به دلایل متعدد و مختلف تاکنون محیط گسترده‌وزیادی را برای انحصار گروه‌های خاص پدید آورده و این آن‌ها هستند که از منافع مالی و معنوی اقتصاد سیاسی این حوزه بهره‌های فراوانی برده‌اند. البته ذکر این نکته ضروری

است که فراهم شدن محیط برای تصاحب تام و تمام جریان اصلی سینیمای ایران توسط گروه‌های مختلف در اغلب موارد به شکل ارادی صورت نگرفته که ما اکنون بخواهیم مجریان امر و مدیران دولتی را نسبت به آنچه در حال وقوع است متهم بدانیم، اما درگیر نبودن چرخ اقتصادی سینیما یا با مفهوم «صنعت سینیما» و «اقتصاد هنر» باعث شده تا فقط یک‌سری

چرا حضور فیلم‌اولی مهم است؟

برای پاسخ به این سؤال که چرا حضور کارگردانان فیلم‌اولی در جشنواره مهم است باید به تاریخ سینیمای ایران مراجعه کنیم. در فضای دل‌مرده سال‌های پایانی دهه چهل شمسی این فیلم‌سازان جوان موج نویی مانند «مسعود کیمیایی»، «داریوش مهرجویی»، «ناصر تقوایی»، «علی حاتمی»، «کامران شیردل»، «بهرام بیضایی» و... بودند که خون تازه‌ای در رگ‌های صنعت نیم‌بند سینیما کشور پمپاژ کردند وگرنه اقتصاد سینیما می‌تا پیش از رسیدن به سال سقوط، یعنی ۱۳۵۶ فرو می‌ریخت.

مردم زیست و زندگی خودشان را در آینه جادو مشاهده نمی‌کردند و موج‌نور در این میان همچون یک نسیم خوشایند، سینیمای آن ایام را از پیچ تند ورشکستگی نجات داد. میزان فروش بالای «قصر» در نوبت‌های مختلف اکران و همچنین شکسته‌شدن تصویر پرستاره‌های شیک و توکشیده دهه سی و چهل به واسطه بازیگرانی چون «سعید راد»، «سعید کنگرانی»، «فرزان دلجو» و... نتیجه مثبت چنین اتفاقی بود. حتی حضور چهره‌های جدید در پشت دوربین به‌عنوان کارگردان باعث شد تا «بهروز وثوقی» از یک بازیگر شناخته‌شده به ستاره اول و آخر سینیما فارسی بدل شود. این اثر بزرگ حضور فیلم‌اولی‌ها و کارگردانان جوان در فضای آن روزها بود. با وقوع انقلاب اسلامی، موجی که در سال‌های پایانی دهه چهل شمسی ایجاد شده بود در قالب و طیفی بزرگ‌تر و گسترده‌تر محقق شد و سینیمای ایران، بدون آنکه دستی از درون هدایتش کند،

چرا جدول اکران فیلم‌ها پیش از جشنوارهٔ فجر ناگهان دچار افت مخاطب می‌شود

کنداکتور خراب است!



محمدحسین سلطانی خبرنگار گروه فرهنگ

سبب مصرف سینیمای خانواده‌های ایرانی از بازه واسط پاییز به بعد دچار تحسینی پیش از جشنواره می‌شود. این موضوع برای اسامال و سال قبل هم نیست. در ۵ سال اخیر با عبور از ماه آذر و رسیدن به دی، میزان مخاطبان سسینما کاهش پیدا می‌کند. این موضوع در طی سال‌های اخیر بدل به یک بحران برای سینماها شده است. این بحران دلیلش چیست؟ منطق پرهیز مردم از سینما رفتن در فصول سرد سال چیست و چرا سالن‌های سینما با سردتر شدن هوا خالی می‌شوند؟ بهتر است داستان را از سال ۱۴۰۰ شروع کنیم. دردی ماه این سال فیلم‌اول جدول اکران، حضورش روی پرده را از ۶ ماه قبل‌تر آغاز کرده است. «دینامیت» به تهیه‌کنندگی ابراهیم عامریان در جشن ماهگی اکرانش روی پرده همچنان می‌فروشد و اختلاف قابل توجهی را با باقی فیلم‌های جدول اکران ایجاد می‌کند. سال‌های بعد و در بازه زمستان ادامه پیدا می‌کند. آن‌طور که آمارها نشان می‌دهند سینیمای ایران تنها تا بازه آبان ماه هر سال، ظرفیت فیلم‌های با فروش بالای خود را رو می‌کند و از نیمه‌های پاییز، سسینما دیگر عمده مخاطبانش را از دست می‌دهد و فیلم‌های باقی‌مانده در جریان اکران را به نمایش درمی‌آورد. فیلم‌هایی که یا کم‌دیی‌های درجه دو (به نسبت باقی آثار کم‌دی سال) کم‌ریسک هستند یا در صنف مانده‌های جدول پخش. نگاهی به فیلم‌های جدول اکران اکنون سسینیمای ایران قضیه را خیلی خوب شرح می‌دهد.

جدول پرنمای خالی

«کفایت مذاکرات»، «آقای زالو»، «ماجرایی در جزیره جیمز باند»، «یوز» و «تهران ۵۷»، پنج فیلم اصلی جدول اکران هستند. ۴ کم‌دی و یک انیمیشن که میزان بلیت‌های فروخته شده این ۵ اثر نشان می‌دهد نام‌ها نتوانسته‌اند به میزان فروش کمک قابل توجهی انجام بدهند. ممکن است این‌طور در نظر مخاطبان بیاید که مشکلاتی همچون اتفاقات نیمه‌های دی روی این آمار فروش اثر گذاشته‌اند، اما با دقتی بیشتر، این اعداد و ارقام را می‌توان رد کرد. آمار فروش سسینما در ماه آذر امسال هم چندان توفیقی نسبت به سال قبل ندارد و سسینما نسبت به مدل مشابه ۱۴۰۳ حدود یک میلیون نفر از مخاطبانش را از دست داده است و از نظر میزان رقمی هم حدود ۷ میلیارد تومان کاهش در آمد را تجربه می‌کند. این در حالی است که نه از نظر کیفیت محتوا و نه از نظر حضور چهره‌ها سینیمای ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ چندان با هم تفاوتی نمی‌کنند و نوع کم‌دی‌های حاضر در گیشه یکسان است. این درست در حالی است که در شش ماهه اول سال آنچه توسط مسئولان پخش آثار دائماً تکرار می‌شود، گزاره اهمیت دادن به ترکیب و تفاوت بین ژانر‌ها بود. می‌توان این‌طور قضاوت کرد که صحبت‌های مسئولان مربوطه در ابتدای امر چندان هم بیراه نیست، اما هره‌پیش‌تر می‌رود، حرف‌ها فراموش می‌شوند و کیفیت آثار پایین می‌آیند.

از بیرون و توسط مردم دگرگون گردید. این استحال‌ه و دگرگونی باعث شد تا جوانان ایرانی با فهمی انقلابی از شرایط وارد جریان تولید فیلم شوند و زندگی را به‌گونه‌ای که در دوران پهلوی به تصویر در آورده نمی‌شد به مخاطبانشان ارائه دهند. در ادامه به چهره‌های شاخص فیلم‌اولی و نحوه حضورشان در جشنواره فیلم فجر نظر می‌اندازیم، ولی فارغ از این مهم باید عنوان کرد که رد شدن هر کارگردان و فیلم‌ساز جوان از صافی شرایط انحصاری برای تماشاگران بیش و پیش از هر چیز جذابیت دارد.

اینکه او ببیند یک کارگردان در قد و قواره خود و سیمایش پشت دوربین قرار می‌گیرد و فیلم می‌سازد جالب توجه است، زیرا این‌طور برایش مطهر می‌شود که یک کارگردان جوان با شناخت بهتر و درکی موجه در حال تولید تصاویر سینماگرافیک است که نگاهی جدید و جوان‌پسندتر به اوضاع جهانش دارد. کوتاه شدن دست فیلمفارسی‌سازان در نظام جدید هم مزید بر علت شد تا فیلم‌سازان جوان از عهده کاری که به آن‌ها سپرده شده بود بر بیایند و تصویر بد و کروی را که در سینیما عامه‌پسند ایران در دهه چهل و پنجاه شکل گرفته بود از میان بردارند. «ابوالحسن داوودی»، «بدالله صمدی» و «رسول صدر عاملی» فرزند چنین شرایطی بودند که توانستند نبض عادی زندگی را به روی پرده بیاورند و ترجمانی از خواش و تمناي طبقه و طیف فکری خوش باشند.

سال ۱۴۰۱ اتفاقات ناخوشایند و بدی در کشور رخ داد و فضای غبارآلود کرد، اما باعث شد تا بخش قابل توجهی از سینماگران جوان و فیلم‌اولی‌های نظیر «رضا کشاورزحداد» و «علی تقفی» بدون احتیاج به چرخ سبز بازیگران اصلی به میدان بیایند و نشان دهند که چه استعدادهایی در این سال‌ها معطل جواب مثبت اقلیت برای ورود به عرصه سینیمای ایران بوده‌اند. جشنواره فیلم فجر در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ اگرچه تقریباً از وجود سلب‌ریتی ها خالی بود، اما کیفیت آثار روی این واقعیت صحه گذاشت که هنر به‌ویژه سینیما و فیلم جشنواره‌ای بدون حضور چهره‌ها هم می‌تواند به کارش ادامه دهد و تعطیلی‌یا

هنر و به‌ویژه سینیما در شکل صنعتی آن خود را محتاج اسامی ریز و درشت نمی‌کند. برای مثال وقتی «مایکل چیمینو» به‌عنوان یک چهره مهم و سرشناس در سینیمای آمریکا پس از ساخت «دروازه‌های بهشت» از نظر اقتصادی به زمین گرم بر خورد کرد، کسی به‌وی برای ادامه کارش در جریان اصلی هالیوود دلگرمی نداد. چیمینو مانند ویلیام فردینکین و پیتر باگدانوویچ با وجود تمام هوش و قریحه‌ای که در کار و هنرش داشت از اصل به حاشیه رفت و هیچ‌کس هم برای نبودنش مرثیه‌سرای نکرد. بیان این نکته هر چند تکراری ولی لازم و ضروری است که اگر در یک سینیمای صنعتی کنترلی بر پروژه‌های بلندپروازانه‌مان نداشته باشیم و شکست بخوریم هیچ‌کس تبدیل

وارد جریان غیرازگانیک سینما شود و خود را حفظ کند!

۱۴۰۱ و راهی که باز شد

چیزی شبیه به این حیاتش را تهدید نکند. برای نمونه «اصغر فرهادی» اگرچه شهرت ابتدایی‌اش را مدیون صداوسیما بود، اما وقتی «چهره» شد که جشنواره ملی فجر به آثار سینیمایی او روی خوش نشان داد. باقی فیلم‌سازان ما از «محمدحسین مه‌لویان» و «سعید روستایی» گرفته تا «ابراهیم حاتمی‌کیا» و «مجید مجیدی» در گذشته و حتی باقی فیلم‌سازان سرشناس به میانه‌ی این فستیوال دیده‌شدند و توانستند به‌عنوان یک کارگردان فیلم‌اولی راهشان را به سوی آینده ادامه دهند. پس ارسال ۵۵ فیلم به دبیرخانه چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر نقطه روشن و مثبتی است که باید توسط رسانه ضریب داده شود.

آنجایی که صنعت سرگرمی در ایران چندان ظرفیت تولیدی ندارد، این تقسیم‌کار شکل گرفته تا هم سینیما یی مخاطب نماند و هم نمایش خانگی در یک مسیر منطقی سهم بیشتری را از سبد سرگرمی مخاطبان بگیرد. در واقع آنچه سینیمای ایران را در نیمه دوم سال به خواب زمستانی می‌برد، نه برودت هوا و نه تغییر ذائقه مخاطب، بلکه «سیاست‌گذاری فصلی» است. سیاستی که تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد نوروز و تابستان می‌چیند

